



# آشنایی با عقائد اسلامی

## درس ۳

استاد: حجت الاسلام و المسلمین حسین تهرانی

در درس گذشته ضمن تبیین اصول جهان‌بینی الهی و ویژگی‌های آن به بیان عقاید مادی‌گرایان در این موضوع پرداخته و بخشی از آثار فردی و اجتماعی جهان‌بینی الهی و توحیدی اسلام، به اختصار بیان گردید. و نیز دانستیم اساس جهان‌بینی الهی را اعتقاد به وجود خدای جهان‌آفرین تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر نیز همواره بر این اصل تأکید شد که بر همه لازم است، ایمان و باوری محکم، بر اساس معرفت و شناخت در خود ایجاد کنند. در بحث معرفت و اعتقاد، اولین و اساسی‌ترین موضوع، شناخت مبدأ آفرینش است.

در این درس به بیان راه‌های شناخت مبدأ آفرینش، خدای هستی‌بخش و مهربان پرداخته و کلید طلایی شناخت حضرت حق (جلّ جلاله) از منظر آیات و روایات و کلام دانشمندان تشریح می‌گردد.

### شناخت مبدأ

در بحث معرفت و اعتقاد، پله اول و اساسی‌ترین موضوع، شناخت مبدأ آفرینش و حق - تبارک و تعالی - است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ»<sup>۱</sup>؛ و در بیانی دیگر فرمودند: «مَعْرِفَةُ اللَّهِ سَبْحَانَهُ أَعْلَى الْمَعَارِفِ»<sup>۲</sup>.

خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»<sup>۳</sup>؛ به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانیشان به آن‌ها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است.

بر اساس آنچه در آیه ذکر شد، دو راه مهم برای کسب معرفت نسبت به خدا، وجود دارد:

۱. راه انفسی: راهی از درون، که نزدیک‌ترین راه است.

۲. راه آفاقی: راهی از برون، که روشن‌ترین راه است.

راه اول معرفت و شناخت مبدأ عالم از طریق فطرت است، فطرت از ماده فطر به معنای شکافتن چیزی از طرف طول است. در طول زمان، به هرگونه شکافتنی اطلاق شده است و از آن‌جا که آفرینش و خلقت، نوعی شکافتن ظلمت و تاریکی، عدم و نیستی است، لذا یکی از معانی مهم این واژه، همان «آفرینش و خلقت» است. البته فطرت در مورد انسان به معنای سرشت و طبیعت و گریزه معنوی و آفرینش خاص انسان خواهد بود.

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، خطبه ۱، ص ۳۹.

۲. تمیمی، همان، حکمت ۷۶۷.

۳. فصلت / ۵۳.

در واقع انسان دو نوع غریزه دارد: «غریزه مادی»، که برای تأمین احتیاجات مادی در درون انسان نهفته است. مانند خویشن دوستی، تشنگی، گرسنگی، ترس، امید و بالاخره وجدان اخلاقی. این غرایز برای عبور از مرز حیوانیت و رسیدن به کمال واقعی در وجود انسان قرار داده شده است. «غریزه معنوی یا فطرت»؛ یعنی آن چه انسان، خودش خودبه خود می یابد و نیازی به فراگیری آن ندارد.

### فطرت؛ راهی طلایی برای شناخت مبدأ

فطرت بشر یکی از منابع الهام بخش معرفت و شناخت است. گاهی از این منبع شناخت، به قلب نیز، تعبیر می شود و البته با عقل که مرکز تفکر و ادراک انسان است، کاملاً متفاوت است، لکن همه این ها، شاخه های یک درخت و ثمره های شجره مبارکه روح انسان هستند.

خلاصه این که هر انسانی در وجود خودش احساس نیاز به آفریدگار می کند و این حالتی است که خداوند آن را، در باطن و سرشت وجودی همه انسان ها قرار داده است.

جالب است که بسیاری از دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان به این مسئله اعتراف کرده اند، مثلاً انیشتین می گوید:

«یک عقیده و احساس مذهبی، بدون استثنا در همه ما انسان ها وجود دارد که من آن احساس مذهبی را آفرینش نام می گذارم. در این آفرینش، انسان، کوچک بودن آرزوها و هدف های بشری و عظمت و جلالی که در ماورای این امور و پدیده ها نهفته است را، حس می کند».

یا مثلاً پاسکال می گوید: «دل آدمی دلایلی دارد که عقل را، به آن دسترسی نیست».

الکسیس کارل هم می گوید: «حقیقتاً چنین به نظر می رسد که احساس عرفانی، جنبشی است که از اعماق فطرت سرچشمه گرفته و یک غریزه اصلی است؛ یعنی انسان هم چنان که به آب و اکسیژن نیازمند است، به خدا نیز محتاج است».

و بالاخره سقراط حکیم چنین اظهار می دارد که: «انسان همان گونه که درک می کند احتیاج به آب و غذا دارد، هم چنین روح او درک می کند که احتیاج فراوانی به غذای روحی دارد. این احساس، عبارت است از دینی که اولین انسان به آن هدایت شد. دلیل این مطلب هم این است که اگر بچه ای را از وحشی ترین اقوام دنیا بگیریم و او را آزاد بگذاریم که هرگونه که می خواهد زندگی کند و حتی هیچ دینی را به او تلقین نکنیم، وقتی بزرگ و کامل می شود، مشاهده می کنیم که دنبال گمشده ای می گردد و دائماً روی اصل غریزه و اندیشه فطرتش به این طرف و آن طرف می زند تا در مغز خود چیزی تصور کند که ما آن را، عقیده یا دین می نامیم».

روی همین حساب است که امام علی (علیه السلام) در روایتی فرمود: «خداوند کسی است که هر آفریده ای به هنگام نیاز و سختی ها، وقتی امیدش از غیر خدا قطع شد و از اسباب طبیعی مأیوس گشت، به او پناهنده می شود».

شخصی به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد که ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، خدا را به من معرفی کن، زیرا اهل مجادله درباره خدا حرف‌هایی زده‌اند که مرا شدیداً سرگردان کرده‌اند. حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: آیا تاکنون کشتی سوار شده‌ای؟ گفت: آری. حضرت فرمودند: برایت اتفاق افتاده که کشتی دچار سانحه شود و در آن جا نه کشتی دیگری هست و نه شناگری که تو را نجات دهد. عرض کرد: آری. حضرت فرمودند: آیا در آن هنگام احساس نکردی که هم‌اکنون قدرتی هست که می‌تواند تو را از آن ورطه هولناک نجات دهد؟ گفت: آری. حضرت فرمودند: این، همان خداست که می‌تواند تو را نجات دهد. چون او نجات‌دهنده است و به فریاد می‌رسد؛ در آن جایی که فریادرسی وجود ندارد.

بله، خداوند بی‌مانند و بی‌همتاست و وجودش محتاج دلیل نیست.

اگر افتی به دام ابتلائی به جز او از که می‌جویی رهایی

پس فطرت خداشناسی از سرمایه‌های اصیل و اساسی وجود انسان است که به روشنی، حقیقت را نشان می‌دهد، لیکن گاهی حجاب‌های ظلمانی مانند گناه، محیط فاسد، تبلیغات، تلقینات و غفلت‌ها مانع حق‌نمایی فطرت می‌گردد. لذا قرآن کریم در آیه ۱۰ از سوره روم می‌فرماید: «سرانجام کسانی که بسیار گناه کردند، این شد که نشانه‌های خدا را تکذیب و سپس مسخره نمودند.»

## خداشناسی و راه‌های شناخت خدا

از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری انسان، مسئله اثبات وجود خداست. بسیاری از اندیشمندان در مورد مسئله خالق هستی، اظهارنظر کرده‌اند. اعتقاد به یک مبدأ متعالی و پرستش، از کهن‌ترین و ابتدایی‌ترین مظاهر حیات انسانی بوده و هست. آدمی، به حکم فطرت و سرشت خود می‌دانسته که در این پهنه هستی به خود واگذاشته نشده، بلکه تحت تأثیر و تسلط امور مافوق طبیعی و نیروهایی است که بر حیات او نظارت دارند و در سرنوشت او سهیم‌اند.

### راه‌های شناخت خدا

برای اثبات وجود خدا، دو راه وجود دارد که عبارتند از راه درونی (انفسی) و بیرونی (آفاقی).

راه درونی: در وجود انسان یک تمایل عالی هست، که آن تمایل به پرستش است؛ او خودش را، به یک حقیقتی وابسته و پیوسته می‌داند؛ یعنی انسان فطرتاً و از صمیم جان خود، به وجود خداوند باور دارد. هم‌چنین انسان، هنگام مواجهه با سختی و خطر و ترس و هراس، آن‌گاه که از اسباب ظاهری امید می‌کند، نیرویی در وجودش جان می‌گیرد و به کسی توجه می‌کند که مبدأ همه چیز است و در هر هنگام و مکانی می‌تواند بیچارگان را پناه دهد و دستشان را بگیرد. همه انسان‌ها- هر چند به ظاهر، وجود خدا را نپذیرند- وقتی به سختی می‌افتند و در تنگناها گرفتار می‌آیند، به درون خویش باز می‌گردند و احساس می‌کنند که هنوز امیدی هست. وجود امید، بدون باور به وجود امید دهنده امکان‌پذیر نیست و این نشان می‌دهد که انسان به گونه فطری، خداجو و خداشناس است.<sup>۱</sup> هر فردی بر اساس مذهب خاص خود، این موجود متعالی را پرستش می‌کند:

هر کس به زبانی سخن از وصف تو گوید      بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه

راه بیرونی: در این روش، انسان با نگاه به عظمت دنیای پیرامون خود، به وجود خالق قدرت‌مند، حکیم و عالم که با ظرافت و انسجام خاصی جهان هستی را، خلق و اداره می‌کند، پی می‌برد و درمی‌یابد که عالم هستی، خود به خود آفریده نشده است و به حال خود نیز واگذاشته نشده است، بلکه همه هستی تحت قدرت و تسلط آن خالق اداره می‌شود.

<sup>۱</sup>. مطهری، مجموعه آثار، ج ۴، ص ۴۳.

<sup>۲</sup>. علامه طباطبائی، تفسیرالمیزان، ج ۱۲، ص ۲۸۹.

با نگاهی به پیرامون خود و اشیایی مانند ساعت، رایانه، کتاب، هواپیما و... آیا می‌توان ادعا کرد که این‌ها خودبه‌خود و بدون دخالت دانشمندان و متفکران، پدید آمده باشد؟ اگر این احتمال عاقلانه نیست، چگونه نظام هستی با این نظم حیرت‌آور که هر گوشه آن هزاران برابر دقیق‌تر از نظم موتور یک هواپیماست، می‌تواند بدون ناظم و خالق بدون علم و شعور، ایجاد و اداره شود؟ با اندکی تأمل و اندیشه، خرد آدمی حکم می‌کند که آفریدگاری دانا، توانا و حکیم، این جهان با عظمت را پدید آورده و اداره کند.

## آفرینش هستی در قرآن و روایات

در قرآن کریم هشتاد مرتبه، درباره آفرینش زمین سخن گفته شده است و از پیامبران الهی (علیهم‌السلام)، صاحبان عقل و اندیشه و کسانی که به دنبال کشف حقیقت هستند، دعوت شده به دنبال شناخت عظمت خلقت زمین باشند.

«وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ»<sup>۳</sup> در زمین، نشانه‌هایی برای اهل یقین وجود دارد.

امام صادق (علیه‌السلام) به شاگرد خود مفضل فرمودند: «در خصوصیات آفرینش این زمین که چقدر محکم و استوار بوده و محل استقرار اشیا است، تفکر کن. زمینی که مردم بتوانند به راحتی در آن زندگی کنند و نیازهای خود را با تلاش و کوشش در آن، تأمین نمایند و به هنگام استراحت و آرامش، بر روی زمین بنشینند و یا به خواب روند، عبرت بگیر از آن‌چه که به هنگام زلزله‌ها به مردم می‌رسد که زمین دیگر آرامش ندارد و مردم ناچار به ترک خانه‌ها شده و فرار می‌کنند».

موجب شگفت است که کره زمین، با این بزرگی، همراه با میلیاردها موجود، با سرعتی فوق‌العاده در حرکت می‌باشد، ولی مانند گهواره‌ای با قرار و آرام است.

امیرمؤمنان (علیه‌السلام) در دعای صباح، با خدای خود این‌گونه راز و نیاز می‌کند: «يَا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مِهَادٍ أَمِنَةٍ وَأَمَانَةٍ وَأَيَقُظُنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنِّهِ وَإِحْسَانِهِ»؛ ای کسی که مرا به خواب بردی در گهواره‌ای امن و آرام و باز مرا با انواع نعمت و احسان بیدار کردی.<sup>۴</sup>

قسمت عمده زمین را، اقیانوس‌ها و دریاها تشکیل داده‌اند که در آن‌ها عجایب و شگفتی‌هایی وجود دارد که قابل توصیف نیست. در دعای جوشن کبیر آمده است: «يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ»؛ ای کسی که شگفتی‌های قدرت تو، در دریاهاست.<sup>۵</sup> علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) در بیانی به خدای متعالی عرض می‌دارد: «أَنْتَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَظَمَتُكَ وَفِي الْأَرْضِ قُدْرَتُكَ وَفِي الْبَحَارِ عَجَائِبُكَ»؛ خدایا تو کسی هستی که عظمتت در آسمان و قدرتت در زمین و شگفتی‌های خلقتت در دریاهاست.<sup>۶</sup>

۳. ذاریات / ۲۰.

۴. قمی، عباس، مفاتیح‌الجنان، دعای صباح.

۵. همان، جوشن کبیر.

امام صادق (علیه السلام) نیز در سخنی دیگر، به مفضل فرمودند: «اگر می‌خواهی وسعت حکمت آفریدگار و کوتاهی دانش مخلوقات را بدانی، نظر کن به آن‌چه در اقیانوس‌هاست، از انواع ماهیان و جنبندگان آب و صدف‌هایی که در آب وجود دارند و انواع موجوداتی که شماره ندارند و منافع آن به تدریج برای بشر، روشن می‌شود».

زمانی که انسان به خوبی در این امور اندیشه و تأمل کند، به وسعت علم و حکمت آفریدگار پی می‌برد و در این صورت، عمل کردن به دستورات خداوند حکیم، با جدیت بیشتری انجام می‌شود و انسان به آرامش روحی و روانی می‌رسد.

هم‌چنین امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به پرسش مفضل، مبنی بر این‌که وقتی، نظم موجود در جهان آفرینش، برای افرادی که مادی هستند و در وجود خدا تردید دارند، شرح داده شود، در پاسخ خواهند گفت: «این نظام منسجم را، طبیعت به وجود آورده است»، فرمودند: «اگر مقصود آن‌ها از طبیعت، همان چیزی است که دانایی، توانایی، اراده و اختیار دارد، آن همان خداست و آن‌ها در نام چنین موجودی اشتباه کرده‌اند و خدا را، طبیعت نام نهادند، ولی اگر منظور آن‌ها از طبیعت، چیزی است که علم، قدرت و تدبیر ندارد، این حرف باطلی است. چرا که امکان ندارد جهان با این عظمت و نظم شگفت‌انگیز را طبیعت کر و کور و بی‌شعور، پدید آورده باشد».

### برهان نظم

بنابراین، به حکم عقل و اندیشه، جهان هستی را آفریدگاری دانا، باشعور، توانا و حکیم که همان خدای متعال است، خلق کرده است.

این نوع جهان‌بینی، یکی از ساده‌ترین و روشن‌ترین راه‌ها برای اثبات وجود خداوند است که به برهان نظم معروف می‌باشد و دو مقدمه اساسی و بدیهی دارد:

۱. در جهان هستی، مجموعه‌های منظمی وجود دارد که هیچ‌کس نمی‌تواند منکر آن باشد؛

۲. هر مجموعه منظمی، حتماً ناظمی عالم و توانا دارد.

لذا در جهانی که مملو از پدیده‌های منظم است، وجود نظم‌دهنده‌ای حکیم، عالم و قادر را نوید می‌دهد.

ای ز وجود تو، وجود همه      پرتوی از بود تو، بود همه

نیست کن و هست کنِ هست و نیست      غیر تو و صنع تو، موجود نیست

صفحه خضراء، ز تو آراسته      عرصه غبراء تو پیراسته

غیب ازل، نور شهود، از تو یافت      لوح عدم، نقش وجود، از تو یافت

روشنی لعل بدخشان ز تو      پرتو خورشید درخشان ز تو<sup>۹</sup>

<sup>۹</sup>. رسولی محلاتی، سیدهاشم، صحیفه علویه، ص ۴۶۳.

<sup>۷</sup>. کمره‌ای، محمدباقر، آسمان و جهان (ترجمه کتاب السماء والعالم بحار)، ج ۵، ص ۳۰۷.

«فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ»؛ ای بینایان و صاحبان دیده سر و دل، در مخلوقات خدا تأمل کنید و از آن‌ها عبرت بگیرید».

## چکیده

۱- اولین موضوعی که در مسیر معرفت باورهای اعتقادی برای هر اهل معرفتی محل مورد بحث و تفحص قرار می‌گیرد، شناخت مبدأ آفرینش است، که بر اساس آیات قرآن مجید دو راه مهم برای شناخت ذات حضرت حق متصور است: راه آفاقی و راه انفسی.

۲- فطرت یکی از منابع الهام‌بخش معرفت و شناخت محسوب می‌شود، که در وجود همه انسان‌ها تعبیه شده است و اندیشمندان گوناگون از آن سخن گفته‌اند.

۱- انسان در وجود خود، دارای گرایشی خاص، به موجودی برتر است و این موجود برتر را، از صمیم جان باور دارد و می‌پرستد. این حس درونی خداجویی، از راه‌های اثبات وجود خداست.

۲- علاوه بر گرایش فطری به خدا، انسان با نگاه به عظمت دنیای پیرامون خود، به وجود خالق قدرت‌مند، حکیم و عالم که با ظرافت و انسجام خاصی جهان هستی را، خلق و اداره می‌کند، پی می‌برد.

۳- در واقع هر انسانی می‌داند که هیچ شی‌ای بدون علت به وجود نمی‌آید، لذا عالم خلقت با همه عظمتی که دارد، بدون علت به وجود نیامده است. (از وجود معلول و مخلوق به وجود علت و خالق پی می‌برد).

۴- در روایات متعدد، به تفکر درباره جهان آفرینش سفارش شده است.

۵- از راه‌های اثبات وجود خداوند، تفکر در نظم حاکم بر عالم هستی است.

۶- برهان نظم دو مقدمه اساسی و بدیهی دارد:

الف- در جهان هستی، مجموعه‌های منظمی وجود دارد که هیچ‌کس نمی‌تواند منکر آن باشد؛

ب- هر مجموعه منظمی، حتماً ناظمی عالم و توانا دارد.

لذا در جهانی که مملو از پدیده‌های منظم است، وجود نظم‌دهنده‌ای حکیم، عالم و قادر را نوید می‌دهد.

<sup>۸</sup> غبار از کلمه غبار و در این بیت به معنای زمین است، چون روی زمین غبار است و خداوند آن را (به سبب باد) می‌زداید، لذا پیراستگی زمین را به خدای متعال نسبت می‌دهد.

<sup>۹</sup> مرحوم علامه نراقی.

<sup>۱۰</sup> حشر / ۲.